



سال اول، دوره دوم، پائیز و زمستان ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۲

## تقابل کانتی - هگلی در نقد و نظریه‌های داستان و رمان در ایران (۱۳۱۲ - ۱۳۴۸)

دکتر فرامرز خجسته<sup>۱</sup>

دکتر مصطفی صدیقی<sup>۲</sup>

یاسر فراشاهی نژاد<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۱۷

### چکیده

غالب نشریه‌های بین سال‌های نخستین دهه بیست تا سال‌های پایانی دهه چهل، به نوعی به حزب توده ایران و جریان چپ وابسته است. بنابراین نظرات نویسندگان این مقالات، از راه زیباشناسی مارکسیستی با زیباشناسی هگل در ارتباط است که مفهوم و فکر فلسفی را برتر از فرم هنری و غایت هنر را حرکت به سمت فلسفه و تولید فکر می‌داند. در ایران نیز منتقدانی چون فاطمه سیاح، طبری، و غیره، رمان را تنها در قالب رئالیسم متعهد پذیرفته‌اند. از سال‌های نخستین دهه چهل، منتقدانی چون ابوالحسن نجفی و هوشنگ گلشیری برای نخستین بار فرم هنری و تکنیک رمان‌نویسی را در اولویت قرار دادند. در این پژوهش آرای منتقدانی چون فاطمه سیاح، احسان طبری، ابوالحسن نجفی و هوشنگ گلشیری، بر اساس نظریات کانت و هگل تحلیل کرده‌ایم که تأثیر فلسفه نظریه‌های ادبی غربی بر منتقدان ایرانی به‌وضوح قابل مشاهده است. سیاح و طبری در نقدهایشان به آرای هگل و هگلی‌ها نزدیک شده‌اند و نجفی و گلشیری، فرمالیستی را نمایندگی می‌کنند که ریشه در اندیشه‌های کانت دارد.

**واژگان کلیدی:** کانت، هگل، رئالیسم، فرمالیسم، نقد ادبی، رمان

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان